

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۱۸ - یکشنبه ۹۱/۷/۲۳

پاسخ به استدلال عقلی اخباریون در وجوب احتیاط

اعلام دو گونه به این بیان پاسخ داده‌اند: یک پاسخ مبنی بر انحلال حقیقی علم اجمالی است و پاسخ دیگر مبنی بر انحلال حکمی است؛ به این معنا که علم اجمالی، تکویناً از بین نمی‌رود اما تأثیراً از بین می‌رود.

هر دو پاسخ مفید است و در موارد دیگر نیز به کار می‌آید لذا تأمل بیشتر در این جواب‌ها دارای فایده است.

پاسخ مبتنی بر انحلال حقیقی علم اجمالی

گزیده‌ترین بیان در این پاسخ، بیان سید خویی در مصباح الاصول^۱ است که چنین فرموده‌اند: اگر تأمل بیشتری شود به دست می‌آید که در حقیقت سه علم اجمالی وجود دارد: یک علم اجمالی کبیر که همان علم اجمالی مکلف مسلمان به وجود احکام الزامیه در شریعت است که اگر این علم اجمالی منحل نشود منجز خواهد بود.

علم اجمالی دیگری وجود دارد که آن را علم اجمالی وسط می‌نامیم و آن عبارتست از علم اجمالی مکلف به اینکه در اطراف امارات معتبره و غیر معتبره یک سلسله احکام الزامیه وجود دارد و این یک امر وجدانی است که بخشی از این امارات معتبر و غیر معتبر مشتمل بر احکام واقعیه است. این علم اجمالی وسط نیز به نوبه‌ی خود منجز است.

۱. مصباح الاصول، ج ۲، ص ۳۰۵.

علم اجمالی سومی وجود دارد که در دایره‌ی خصوص امارات معتبره است و آن عبارتست از اینکه علم اجمالی وجود دارد که در اطراف امارات معتبره، قطعاً تعدادی از آنها مطابق واقع است. این علم اجمالی را علم اجمالی صغیر می‌نامیم.

سید خوبی معتقدند علم اجمالی کبیر و وسط به ترتیب منحل شده و در نهایت به یک علم اجمالی تبدیل می‌شوند؛ زیرا علم اجمالی کبیر به اینکه مثلاً ده هزار حکم الزامی وجود دارد توسط علم اجمالی وسط منحل می‌شود؛ زیرا می‌دانیم ده هزار اماره‌ی معتبره و غیر معتبره مطابق واقع است و احتمال می‌دهیم ده هزار علم اجمالی کبیر مطابق ده هزار معلوم اجمالی وسط باشد، در نتیجه علم اجمالی کبیر منحل می‌شود؛ به دلیل آنکه اگر از علم اجمالی وسط ده هزار مورد را خارج کنیم و باقیمانده را به دایره‌ی علم اجمالی کبیر ضمیمه کنیم در واقع دیگر علم اجمالی به وجود احکام الزامی نخواهیم داشت؛ زیرا چه بسا با کنار گذاشتن این ده هزار حکم در دایره‌ی علم اجمالی وسط، در واقع همان ده هزار حکم الزامی در دایره‌ی علم اجمالی کبیر خارج شده باشند؛ به دلیل آنکه احتمال مطابقت آنها وجود دارد.

سپس همین روند در مورد علم اجمالی وسط و علم اجمالی صغیر نیز ادامه می‌یابد به این صورت که در میان امارات معتبره اگر ده هزار حکم را جدا کنیم و مابقی را به دایره‌ی علم اجمالی وسط ضمیمه کنیم، علم نخواهیم داشت که حکمی الزامی مطابق واقع وجود داشته باشد، لامحاله علم اجمالی وسط نیز با علم اجمالی صغیر منحل می‌شود.

در نتیجه اگر در دایره‌ی علم اجمالی صغیر یعنی امارات معتبره احتیاط شود کفایت خواهد کرد و اصولی نیز سخنی بیش از این ندارد و مابقی شک بدوی خواهد شد و احتیاط لازم نخواهد بود.

سید خوبی برای روشن شدن این بیان، مثالی را ذکر می‌کنند: ما نحن فیه مانند آن است که علم وجود داشته باشد که در قطع غنم، پنج گوسفند غصبی وجود دارد و این قطع غنم دارای گوسفندانی با رنگ‌های متفاوت است؛ مثلاً تعدادی از گوسفندان این گله، سفید و تعدادی سیاه هستند و علم اجمالی دیگری وجود دارد که در خصوص گوسفندان سفید، پنج گوسفند غصبی وجود دارد. علم اجمالی کبیر نسبت به کل گله توسط علم اجمالی صغیر نسبت به گوسفندان سفید انحلال پیدا می‌کند؛ زیرا اگر پنج عدد از گوسفندان سفید را کنار بگذاریم آیا همچنان علم وجود دارد که در خصوص گوسفندان سفید،

گوسفند غصبی وجود دارد؟ خیر، چه بسا همان پنج گوسفند غصبی را کنار نهاده‌ایم. حال اگر کل گله را در نظر بگیریم، با کنار نهادن این پنج گوسفند علم اجمالی به وجود گوسفند غصبی وجود نخواهد داشت؛ زیرا احتمال انطباق این پنج گوسفند سفید با پنج گوسفند غصبی داده می‌شود، پس علم اجمالی کبیر منحل می‌شود.

بنابراین ملاک انحلال آن است^۱ که مقدار معلوم اجمالاً بالعلم الکبیر بیشتر از معلوم اجمالاً بالعلم الصغیر نباشد و احتمال انطباق نیز موجود باشد. در این پاسخ، علم اجمالی حقیقتاً منحل شده است به علم اجمالی صغیر و شک بدوی نسبت به بقیه‌ی اطراف علم اجمالی کبیر.

اشکال مستفاد از بعض مبانی به بیان سید خویی در انحلال حقیقی علم اجمالی کبیر

مورد بحث جایی است که علم اجمالی وسط، امری ترکیبی است. سید خویی فرمودند در علم اجمالی وسط می‌دانیم در میان امارات معتبره و غیر معتبره تعدادی مطابق واقع هستند، و بدون تحلیل بیشتر این علم اجمالی، آن را به قطع غنم تشبیه کردند و به نوعی قضیه را ساده سازی کردند در حالی که قضیه پیچیده‌تر از آن است.

توضیح بیشتر^۲: اینکه ما می‌دانیم در علم اجمالی وسط، احکام واقعی وجود دارد به دو جهت است:

- ۱- می‌دانیم در میان امارات معتبره تعدادی مطابق واقع وجود دارد.
- ۲- در میان امارات غیر معتبره نیز تعدادی مطابق واقع وجود دارد؛ زیرا می‌دانیم امارات غیر معتبره همگی دروغ نیستند.

بنابراین علم اجمالی وسط، ترکیبی از دو علم اجمالی است و سید خویی به این ترکیب توجه نفرمودند و یکسره سراغ علم اجمالی صغیر رفتند.

اکنون که روشن شد علم اجمالی وسط ترکیبی از دو علم اجمالی است می‌توان گفت دو حالت متصور است:

- ۱- یا قائل می‌شویم که معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات معتبره با معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات غیر معتبره مساوی هستند؛ یعنی مثلاً می‌دانیم در دایره‌ی امارات معتبره ده هزار حکم مطابق واقع وجود دارد

۱. «... و المیزان فی الانحلال ان لا یكون المعلوم بالاجمال فی العلم الإجمالی الصغیر أقل عددا من المعلوم بالاجمال فی العلم الإجمالی

الکبیر...». (همان)

۲. بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۴۱۰.

و در دایره‌ی امارات غیر معتبره نیز ده هزار حکم مطابق واقع وجود دارد. حال که تعداد آنها مساوی است به چه دلیل و مرجّحی علم اجمالی وسط را به خصوص امارات معتبره منحل می‌نمایید؟! می‌توانید علم اجمالی وسط را به دایره‌ی امارات غیر معتبره منحل نمایید و در حقیقت انحلال علم اجمالی وسط به خصوص دایره‌ی علم اجمالی نسبت به امارات غیر معتبره ترجیح بلا مرجّح است.

ولی حقیقت آن است که نمی‌توان گفت معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات غیر معتبره مساوی معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات معتبره است، بلکه احتمال دارد مساوی باشد و احتمال دارد کمتر باشد و علی‌ای‌حال معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات غیر معتبره در نسبت با معلوم بالاجمال در دایره‌ی معتبره سه حالت می‌تواند داشته باشد:

۱- کلّ معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات غیر معتبره متباین باشد با کلّ بالاجمال در دایره‌ی امارات معتبره و در حقیقت هیچ تطابقی بین آنها نباشد.

۲- کلّ معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات غیر معتبره منطبق باشد با معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات معتبره.

۳- بخشی از معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات غیر معتبره منطبق بر معلوم بالاجمال در دایره‌ی امارات معتبره باشد و بخشی از آن خارج باشد و بالطبع دایره‌ی امارات معتبره مشتمل بر تعدادی معلوم بالاجمالی متباین از معلوم بالاجمال دایره‌ی امارات غیر معتبره خواهد بود.

با توجه به این سه احتمال، یک علم اجمالی جدید سه ضلعی متولد می‌شود؛ زیرا اجمالاً علم حاصل می‌شود که تعدادی از احکام واقعیه یا در موادّ افتراقی دایره‌ی امارات معتبره و غیر معتبره است و یا در موادّ اشتراکی دو دایره است و یا مقداری در موادّ اشتراکی و مقداری در موادّ افتراقی موجود است و فرض آن است که این سه ضلع قدر مشترک ندارند؛ زیرا موادّ مشترک غیر از موادّ افتراقی است، کما اینکه غیر از مجموعه‌ی تعدادی موادّ مشترک و موادّ افتراقی است. پس لامحاله باید در تمام اطراف دو دایره احتیاط کرد و اگر به واقع نزدیک‌تر شویم حقیقت آن است که بین دایره‌ی امارات معتبره و امارات غیر معتبره نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است و لامحاله یکی به دیگری منحلّ نمی‌شود.

پس راه حلّ سید خوبی رحمته الله مبنی بر انحلال حقیقی تمام نیست و تشبیه ما نحن فیه نیز به قطع غنم، صحیح نمی‌باشد؛ زیرا گوسفندان سیاه و سفید در فرض سید خوبی همان امارات معتبره و غیر معتبره

هستند و فرض ما آن است که در امارات معتبره و غیر معتبره - هر دو - علم به وجود احکام مطابق واقع وجود دارد، در حالی که سید خوبی وجود علم به مطابقت امارات غیر معتبره با واقع را نپذیرفتند و آن را فرض نفرمودند در حالی که واقع آن است که باید فرض کنند که در خصوص گوسفندان سفید، علم به پنج گوسفند غصبی وجود دارد و در خصوص گوسفندان سیاه نیز علم به غصبی بودن تعدادی از آنها وجود دارد.

مقرر: سید حامد طاهری